

# فصلنامه اندیشه حقوقی

[مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه]

« جایگاه قاعده سابقه در حقوق انگلستان و امکان سنجی آن در حقوق اسلام و ایران

سید حسین اسعدی

« مروری بر منع خشونت علیه زنان در کنفرانس‌های جهانی ملل متحد راجع به مسائل زنان: روایت بیم‌ها و امیدها

موسی گرمی، علی مشهدی، احسان شکیب نژاد

« معیار تقسیم مسئولیت میان عاملان زیان در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

خسرو حسین پور

« نظام کنترل صادرات کالاهای با کاربرد دوگانه: ابزاری موثر در جهت پیشبرد برنامه تحریم آمریکا

غلام نبی فیضی چکاب، محمد چلبی

« اثر کفر و قتل در وصیت برای موصی له و اماکن تمسک به قیاس در استنباط حکم آن

زهرا سادات میرهاشمی، فریناز سادات خطیبی قمی

« بازجستی بر تعامل شرع و منابع حقوق اسلامی با نظام حقوق جنایی ایران در پرتو حاکمیت قانون

سید سجاد رزاقی موسوی



فصلنامه اندیشه حقوقی  
مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه

دوره دوم - شماره هفتم  
زمستان ۱۴۰۰

## **The rules of the division of responsibilities between perpetrators of loss in Islamic law & the legal system of Iran**

Khosro hoseinpour<sup>1</sup>

### **Abstract**

Proof of liability depends on relating loss to someone who is perpetrators of loss. So establishing this issue is necessary for proving the attribution of the loss to the agent. In the cases that the agent is one person, the verdict is clear because in these cases, proving the attribution of the loss to the agent is not difficult. In other words, this is the simplest form of a civil liability lawsuit. But sometimes there are two or more commits, in these cases proving the attribution of the loss to the agents is difficult. In these cases that there are several agents, recognition of main cause and quality division of responsibilities is very difficult so that different views on jurisprudence and law presented.

**Key Words:** Responsibility ,cause& agent, Causal relationship, Division of responsibilities.

---

1 PhD Student, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran  
Email: hoseinpoor\_kh@yahoo.com

Received: 06 December 2021 - Accepted: 14 March 2022



This is an open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

DOI: : 10.22034/LTH.2022.543809.1058

## معیار تقسیم مسئولیت میان عاملان زیان در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

خسرو حسین پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

### چکیده

ثبوت ضمان متوقف بر اسناد زیان به عامل زیان است و مراد از آن احراز رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارد شده است. در مواردی که یک عامل موجب ایراد خسارت شده است، حکم مسئله روشن است، به عبارت دیگر این مورد ساده‌ترین صورت یک دعوی مسئولیت مدنی است، زیرا در این مورد احراز رابطه سببیت بین عامل زیان و ضرر وارده مشکل نیست. لیکن گاهی دو یا چند عامل در ورود یک خسارت دخالت دارند، در اینجا اجتماع اسباب مطرح می‌شود که این بحث در حقوق موضوعه تحت همین عنوان و در فقه با عنوان تراحم موجبات ضمان مورد بررسی قرار گرفته است. تراحم موجبات ضمان صور مختلفی دارد که عبارت‌اند از: اجتماع سبب و مباشر، اجتماع اسباب به‌نحو طولی و اجتماع اسباب به‌نحو عرضی. در چنین مواردی که دو یا چند عامل در وقوع زیان نقش دارند، تعیین سبب یا اسباب مسئول یعنی احراز رابطه سببیت و معیار و چگونگی تقسیم مسئولیت بین این اسباب متعدد امری دشوار و قابل تأمل است، به طوری که موجب ارائه نظرات مختلف از سوی فقها و حقوقدانان شده است. در این نوشتار ضمن تبیین صور مختلف تراحم موجبات ضمان، نظرات ارائه‌شده پیرامون چگونگی تقسیم مسئولیت در این صور در فقه و حقوق موضوعه بالاخص قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که در مواردی دارای نوآوری و احکامی متفاوت از نظرات مشهور فقهی است، بررسی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ضمان، اجتماع سبب و مباشر، اجتماع طولی اسباب، اجتماع عرضی اسباب، رابطه سببیت، تقسیم مسئولیت.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

## مقدمه

برای تحقق مسئولیت مدنی لازم است سه رکن ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت وجود داشته باشد. در میان این سه رکن، احراز و تشخیص رابطه سببیت مهم‌تر و گاهی مشکل‌است. منظور از رابطه سببیت نیز این است که باید زیان وارد شده، به فعل عامل زیان مستند باشد، یعنی باید این زیان ناشی از فعل زیان‌بار باشد، به‌نحوی که اگر این فعل نمی‌بود، زیان نیز وارد نمی‌گشت.

گاهی عامل زیان، یک‌نفر است که تشخیص رابطه سببیت کار آسانی است. عامل زیان در این صورت می‌تواند تحت دو عنوان مباشرت و تسبیب اتفاق بیافتد. هرگاه یکی از این دو (مباشر یا سبب) وجود داشته باشد، حکم مسئله روشن است، یعنی مباشرت تلف‌ضامن است، سبب تلف نیز ضامن است. در این موضوع اختلافی نیست.

لیکن گاهی عاملین زیان متعدد هستند که به بحث اجتماع اسباب یا تزامم موجبات ضامن مشهور است. تزامم موجبات ضامن صور مختلفی دارد که عبارت‌اند از: ۱- چند عامل مستقیماً خسارتی را وارد کنند که اصطلاحاً به اجتماع مباشرین مشهور است؛ ۲- چند عامل به‌صورت غیرمستقیم سبب ورود خسارت شوند که به اجتماع اسباب شناخته می‌شود و به دو صورت اتفاق می‌افتد: الف: اجتماع عرضی اسباب ب: اجتماع طولی اسباب؛ ۳- برخی عوامل مستقیماً و برخی غیرمستقیم موجب ورود خسارت شوند که اصطلاحاً به اجتماع سبب و مباشر شناخته می‌شود و سه صورت دارد: الف: اقوی بودن مباشر از سبب؛ ب: اقوی بودن سبب از مباشر؛ ج: مساوی بودن سبب و مباشر.

تعدد اسباب یکی از موضوعات مهم مسئولیت مدنی است. این موضوع از دو جنبه در حقوق مسئولیت مدنی قابل بررسی است که عبارت‌اند از: ۱- بررسی این موضوع که در بین اسباب و عاملین متعدد زیان عامل اصلی زیان (عامل مسئول) کدام است. آیا تمام عوامل، سبب زیان هستند یا برخی از آن‌ها. به عبارت دیگر این زیان مستند به چه کس یا چه کسانی می‌باشد. ۲- اگر احراز شد که زیان منتسب به چند عامل است، طبیعتاً چند عامل مسئول جبران خسارت هستند و به اصطلاح مسئولیت مدنی باید بین

آن‌ها تقسیم شود، در چنین مواردی نحوه و معیار تقسیم مسئولیت بین آن‌ها چگونه خواهد بود، یعنی هر کدام به چه نسبت مسئول جبران خسارت وارده هستند.

به این سؤالات با توجه به فروع مختلف اجتماع اسباب پاسخ‌های مختلفی داده شده است. به‌طور اجمالی باید گفت در فقه اسلامی در اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. در اجتماع اسباب به‌نحو عرضی، نظریه عمومی، مسئول بودن همه اسباب و تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی است، هرچند میزان تأثیر و درجه تقصیر هریک از اسباب متفاوت باشد. هرچند در بررسی‌های به‌عمل آمده فقها و حقوقدانان نظریاتی دیگر از جمله مسئولیت تضامنی، تقسیم مسئولیت براساس درجه تقصیر و میزان تأثیر و نحوه مداخله نیز مطرح کرده‌اند.

در اجتماع اسباب به‌نحو طولی، نظریه سبب مقدم در تأثیر از اقبال بیشتری برخوردار می‌باشد. اگرچه نظریه‌های دیگر مانند سبب نزدیک و بلاواسطه، سبب متعارف و اصلی، سبب پویا و ... نیز مطرح شده است. در اجتماع مباشرین نیز نظریه عمومی مسئول بودن همه مباشرین به تساوی است.

در حقوق موضوعه ایران در موضوع اجتماع اسباب چند متن قانونی وجود دارد که هر کدام حکمی متفاوت از دیگری را بیان می‌کند، اما نظریه عمومی، در قانون مجازات اسلامی بیان شده است که به‌طور تقریبی مشابه نظریه‌های ارائه‌شده در فقه می‌باشد. با این حال قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در برخی مواد دارای نوآوری و تفاوت‌هایی با قوانین قبلی بالخصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و در برخی مواد با نظریات مشهور فقهی می‌باشد. در ق.م.ا. ۱۳۹۲ در مواد ۵۲۶ تا ۵۳۷ به بحث اجتماع اسباب و صور مختلف آن پرداخته شده است. در این مواد، ضمن پذیرش قاعده لزوم استناد و انتساب عرفی ضرر به عمل مرتکب، حسب مورد مسئولیت به‌میزان تأثیر در ورود زیان، مسئولیت به تساوی اسباب متعدد و مسئولیت سبب مقدم در تأثیر مقرر شده است. در این نوشتار فرض مختلف تراحم موجبات ضمان به‌همراه نظرات ارائه‌شده برای تعیین مسئول یا مسئولان و میزان مسئولیت هریک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱- معنای لغوی و اصطلاحی تسبیب

معنای لغوی تسبیب از ماده «سبب» به معنای «رسن» و هرچه بدان به دیگری پیوسته شود و «پیوند» است و در اصطلاح حکما چیزی را گویند که موجود باشد فی نفسه و حاصل شود از آن وجود دیگری؛ یعنی چیزی که وسیله حصول چیزی باشد. در اصطلاح فقهی سبب عبارت از چیزی است که اگر آن نبود، شیء حاصل و تلف نمی‌شد (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲/۲۵۹). محقق حلی می‌گوید: «سبب آن چیزی است که اگر نمی‌بود، تلف حاصل نمی‌شد، لکن علت تلف غیر از سبب است، مثل کندن چاه و نصب کارد و انداختن سنگ در راه، پس به درستی که تلف از جهت افتادن است» (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴/۱۰۲۴). تسبیب در جنایت مراتبی دارد؛ مثل اینکه خود جانی در سبب تنها باشد، مانند اینکه مجنی‌علیه را داخل آتش بیندازد؛ و یا همراه جانی، سبب دیگری نیز که حیوان باشد، اضافه شود و یا به همراه جانی، انسان دیگر به عنوان سبب دیگر اضافه گردد (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲/۲۵۹).

قانون مجازات اسلامی نیز در تعریف تسبیب می‌گوید: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند» (ماده ۵۰۶).

## ۲- تفاوت سبب با علت و شرط

علت در اصطلاح فلسفی چیزی است که معلول زائیده آن است و امری است که از وجودش وجود معلول و از عدمش عدم معلول لازم آید. از این دیدگاه بین علت و سبب تفاوتی نیست. در اصطلاح فقهی، «علت» چیزی است که فعل به آن نسبت داده می‌شود و «سبب» چیزی است که عدمش موجب عدم حادثه است، ولی از وجود آن الزاماً حادثه تحقق نمی‌یابد. به تعبیر دیگر، «سبب» چیزی است که تلف به همراه آن و به واسطه آن، اما به علت دیگری حاصل می‌گردد، به گونه‌ای که اگر سبب نبود، علت تأثیری

نمی‌داشت. در این اصطلاح، «شرط» آن است که تأثیر مؤثر متوقف بر آن است، اما در علت حادثه مدخلیتی ندارد. به عبارت دیگر، شرط زمینه‌ساز تأثیر علت است، اما داخل در آن نیست. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که مفهوم اصطلاحی سبب و شرط به هم نزدیک است و گاه در منابع فقهی در یک معنا به کار رفته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/ ۱۵). در تبیین مطلب باید گفت که اتلاف گاهی به صورت مستقیم یا مباشرت است و گاهی به صورت غیرمستقیم یا تسبیب. اتلاف مستقیم به وسیله خود شخص و بدون واسطه قرار دادن فاعل ارادی یا غیرارادی انجام می‌شود. اتلاف غیرمستقیم یا تسبیب عبارت است از هر فعل یا عملی که سبب از بین رفتن مال شود، ولی علت تامه تلف یا جزء اخیر از علت تامه تلف نباشد، بلکه به گونه‌ای باشد که اگر این فعل و کار از جانب او صادر نشود، تلف و از بین رفتن مال ایجاد نمی‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱/ ۱۱). در این معنا، سبب اعم از شرط و سبب - به مفهوم خاص خود- است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/ ۱۵).

### ۳- مباشرت

منظور از مباشرت این است که جنایت مستقیماً توسط جانی ارتکاب یابد به طوری که عرف جنایت را مستند به وی بدانند. به تعبیر یکی از فقها: «منظور از مباشرت تنها این نیست که قاتل و یا هر جانی دیگر جنایتش را بدون آلت و با دستان خود انجام دهد، مثلاً با دست خود گلوی کسی را فشار دهد تا خفه شود و یا با مشت و لگد او را از پای درآورد، بلکه اعم از این است و شامل جنایت با آلت نیز می‌شود، مثل تیر انداختن و امثال آن و یا با کارد و خنجر سر از بدن کسی جدا کردن و یا هر کار دیگری که عرف آن قتل را مستند به وی کند و نتواند با توجیه و تاویل او را تبرئه نماید، مثل انداختن در آتش و دریا و پرت کردن از کوه بلند و امثال این واسطه‌هایی که با وجود آن وسائط مع ذلک عرف وی را قاتل می‌شناسد (نه آتش و نه آب دریا و نه سنگ کوه را) (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۲/ ۵۶۰). در قانون مجازات

اسلامی مطابق با فقه در تعریف مباشرت آمده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود» (ماده ۴۹۴).

#### ۴- صور مختلف تراحم موجبات ضمان

مباشرت تلف، ضامن است و سبب تلف هم ضامن است. هرگاه یکی از این دو وجود داشته باشد، حکم مسئله روشن است، ولی اگر هر دو عامل وجود داشته باشند، حکم مسئله مشکل می‌شود و صور مختلفی دارد که عبارت‌اند از: اجتماع سبب و مباشر یا دو سبب یا دو مباشر.

#### ۴-۱- اجتماع سبب و مباشر

طبق نظر مشهور فقهی هر جا سبب و مباشر با هم جمع شوند مباشر مسئول و ضامن است، مگر اینکه سبب قوی‌تر باشد. به بیان روشن‌تر، اجتماع سبب و مباشر خود بر سه گونه است: مباشر اقوا از سبب باشد، دخالت سبب و مباشر یکسان باشد، سبب اقوا از مباشر باشد. تنها در صورت اخیر سبب ضامن است و در دو صورت دیگر مباشر ضامن است (موسوی‌خامنی، ۱۳۹۰: ۲ / ۵۶۹). بنابراین هرگاه سبب و مباشر با یکدیگر جمع شوند، مباشر نسبت به ضمان بر مسبب مقدم است، مانند اینکه کسی عدواناً در ملک دیگری چاهی حفر کند. شخصی ثالثی را بگیرد و او را در آن چاه بیندازد و آن شخص بمیرد، آنکه ثالث را به چاه انداخته، ضامن است و حفرکننده چاه ضمان ندارد (محقق‌حلی، ۱۴۰۹: ۴ / ۷۶۳). برخی در استدلال بر این احکام گفته‌اند به اجماع، محقق است که مباشر نسبت به ضمان بر سبب مقدم است و این تقدم از مسلمات به‌شمار می‌آید. علاوه بر اینکه از نظر عقلا فعل همواره مستند به عمل قریب است، نه بعید. بنابراین مباشر همواره از سبب اقوا است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷ / ۵۴).

برخی فقها بر این حکم اشکال وارد کرده‌اند و آن را به نحو عام نپذیرفته‌اند. برای مثال صاحب ریاض می‌گوید، اگر اجماع در مسئله وجود نمی‌داشت، می‌گفتیم هر دو ضامن‌اند و مانند مورد ترتب و تعاقب



ایادی در ضمان ید، خسارت دیده می‌توانست به هریک از آن دو مراجعه کند؛ زیرا از نظر منطقی با بودن وصف ضمان در نزد مسبب، دلیل ندارد که ضمان را از عهده وی ساقط بدانیم. به نظر ایشان به موجب قاعده لاضرر، ضمان بر عهده مسبب مستقر شده، هر چند که دخالتش در ورود خسارت ضعیف‌تر از مباشر باشد و قوت مباشر نمی‌تواند ضمان را از عهده مسبب رفع کند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۴ / ۲۰).

یا فقیهی دیگر در انتقاد به این حکم مشهور می‌گوید: «مهم نیست که تلف‌کننده، مباشر باشد یا سبب، زیرا مباشرت و تسبیب خصوصیتی ندارد. در اتلاف، براساس آنچه که از نص و فتوا فهمیده می‌شود، معیار صدق متلف، عرف است و محدود کردن آن‌ها به مباشر و سبب و مانند آن، برای ضبط چیزی است که عرف بر آن صدق می‌کند و الا دلیلی بر مباشرت یا تسبیب و تقدم یکی از آن‌ها بر دیگری در هنگام اجتماع، نداریم. پس شایسته است معیار، صدق عرفی متلف قرار داده شود. پس چه‌بسا گاهی انتساب عرفی متلف بر مباشر صدق می‌کند و گاهی به هردوی آن‌ها و گاهی تنها به سبب» (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۷: ۲ / ۴۳۵).<sup>۱</sup>

با این حال نظر مشهور فقهی این است که در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است. شهیدثانی در این رابطه می‌گوید: «در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است نه سبب، زیرا مباشر قوی‌تر و نزدیک‌تر است. این حکم در صورت علم مباشر به سبب است. پس اگر شخصی چاهی را در ملک دیگری حفر کند و شخصی دیگر، ثالثی را در آن چاه بیندازد، دافع (مباشر) ضامن است، نه حافر (سبب)» (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۱۰ / ۱۶۶).

قانون مدنی در ماده ۳۳۲ و ق.م.ا. ۱۳۷۰ در ماده ۳۶۳ همین حکم مشهور را پذیرفته است. با این حال در ق.م.ا. ۱۳۹۲ چنین صراحتی را نمی‌بینیم و در ماده ۵۲۶ چنین مقرر شده است: «هرگاه دو یا چند

۱. برخی از حقوقدانان نیز مدافع همین نظر هستند و معتقدند در صورتی که نحوه دخالت مباشر و مسبب در نظر عرف یکسان باشد، به

نظر می‌رسد که باید هر دو را مسئول شمرد، به ویژه درجایی که هر دو قصد اتلاف دارند (کاتوزیان: ۱۳۹۲ / ۲۶۹).

**عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است...».**

در این ماده، قانون‌گذار برخلاف قاعده کلی پیشین که در اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است؛ عاملی را که جنایت مستند به اوست ضامن می‌داند خواه مباشر باشد، خواه سبب؛ یعنی این ماده نظر به رابطه انتساب دارد، نه صرف مباشرت. بنابراین در اجتماع سبب و مباشر، معیار، انتساب عمل است و عمل به هرکس منتسب باشد، او ضامن است و چنانچه عمل مستند به تمام عوامل باشد، همگی به تساوی مسئول خواهند بود و اگر عمل به آن‌ها مستند باشد، اما تأثیر رفتار آن‌ها متفاوت باشد، هر کدام به میزان تأثیر رفتارشان مسئول خواهند بود. این احکام قانونی در زمینه اجتماع سبب و مباشر بی‌سابقه و حتی مخالف قول مشهور فقهی نیز می‌باشد. بنابراین آنچه از نظر قانون مهم است، رابطه انتساب است، همان‌طور که در ماده ۴۹۲ بر آن تأکید کرده است.

به نظر یکی از حقوقدانان نیز در موارد اجتماع سبب و مباشر باید قائل به تفکیک شد، یعنی باید دید از نظر ثقل مسئولیت کدامیک از مباشر یا مسبب در انتساب عمل بر دیگری برتری دارد. چنانچه مباشر بر مسبب برتری داشته باشد (مانند مثال حافر و دافع) تردید نیست که مباشر ضامن است و بر مسبب ضمان نیست؛ ولی اگر مسبب در ایجاد حادثه بر مباشر برتری داشته باشد، ضامن خواهد بود. پس هرگاه مسبب و مباشر با هم جمع شوند، باید دید که کدامیک اقوا و مؤثر است. اگر مباشر، مختار و عاقل باشد و به عمل خود و نتیجه آن التفات و توجه داشته باشد، ضامن و مسبب فاقد ضمان است؛ اما اگر مباشر صاحب اراده و شعور نباشد، مسبب ضامن خواهد بود. برای مثال شخصی در بیمارستان بستری است و طبیبی به عیادتش می‌آید و به پرستار دستور می‌دهد نوع خاصی از دارو را به بیمار بخوراند. اگر این دارو سمی باشد و موجب مرگ بیمار بشود و پرستار نیز به خاصیت سمی آن جاهل باشد، با توجه به ویژگی‌ها و صلاحیت طبیب در تجویز، تردید وجود ندارد که او نوعی تسلط بر پرستار اعمال می‌کند و پرستار با قبول دستور و تجویز طبیب داروی مسموم را به بیمار می‌خوراند. در این حالت، مسبب، یعنی پزشک، از مباشر یعنی

پرستار در حادثه مرگ بیمار مؤثرتر است و به همین علت، طبیب ضامن خواهد بود؛ ولی چنانچه پرستار به خواص دارو واقف بوده، عالماً عامداً آن را به بیمار بخوراند و موجب مرگ او شود، شخصاً ضامن است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۱۲۲).

#### ۴-۱-۱- سبب اقوی از مباشر

یکی از صورت‌های اجتماع سبب و مباشر، اقوا بودن سبب از مباشر است که در این صورت سبب مسئول است. مواردی که در اجتماع سبب و مباشر، سبب مسئول است یا اصطلاحاً، سبب اقوی از مباشر است، عبارت‌اند از: الف: مباشر عوامل طبیعی مانند سیل و زلزله و آتش و باد و آفتاب باشد، مثل کسی که در ملک خود آتش روشن کند، به نحوی که آتش عادتاً سرایت کند (ماده ۵۲۱ ق.ا.م). ب: مباشر دارای اراده و شعور نباشد، مثلاً حیوان باشد. مثل خارج کردن مال از حرز توسط حیوان (ماده ۲۷۲ ق.ا.م) و حمله حیوان در صورتی که صاحب آن حمله و آسیب رساندن آن را بداند (ماده ۵۲۲ ق.ا.م). ج: مباشر از افراد فاقد مسئولیت مانند صغار و مجانین باشد، مثل ماده ۲۷۲ ق.ا.م که ناظر به خارج کردن مال توسط صغیر از حرز است یا تبصره ماده ۳۷۵ ق.ا.م در مورد اکراه در قتل. د: مباشر، جاهل به موضوع یا حکم باشد، مثل کسی که چاهی حفر می‌کند و روی آن را می‌پوشاند و مباشر جرم که از آن آگاهی ندارد، شخص را همراه خود ببرد و آن شخص در چاه بیفتد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷/۵۶).<sup>۱</sup>

---

۱. البته عده‌ای معتقدند برخی صور مذکور مانند موردی که مباشر، حیوان یا عاملی طبیعی است به علت وضوح عدم مسئولیت مباشر، ایراد خسارت مستقیماً به سبب منتسب می‌شود و گویی حادثه مباشری نداشته است. در چنین مواردی، مسئولیت مباشر به کلی منتفی است و بحث اجتماع سبب و مباشر مطرح نمی‌شود، ولی مصادیق آن از موارد تسبیب محسوب می‌شود. مثلاً در آثار فقها موردی که کسی دیگری را در آتش می‌اندازد و آتش او را می‌سوزاند، در باب تسبیب مطرح شده است. بحث اجتماع سبب و مباشر در جایی مطرح می‌شود که مباشر و مسبب هر دو انسان هستند و تردید در آن است که کدام یک اقوا بوده است؛ مثل آنکه مباشر با اکراه دیگری، اقدام به ایراد خسارت کند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۱۲۲). به عبارت دیگر در این موارد سبب نه به دلیل اقوا بودن از مباشر مسئول است، بلکه به دلیل اینکه خسارت به مباشر قابل استناد نیست. اما برخی حقوقدانان (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۲۰۳) این موارد را در ذیل همین بحث، مورد بررسی قرار داده‌اند.

#### ۴-۲- اجتماع اسباب

در صورتی که دو یا چند سبب در تلف مؤثر باشند، مسئله دو صورت دارد: الف: اجتماع اسباب به نحو طولی؛ ب: اجتماع اسباب به نحو عرضی؛

#### ۴-۲-۱- سببها در عرض یکدیگر باشند (اجتماع اسباب به نحو عرضی)

هرگاه چند سبب در زمان واحد با هم موجب خسارتی شوند و اثر آنها فاقد تقدم و تأخر زمانی باشد [اقتران در تأثیر] اجتماع آنها به نحو عرضی است. برای مثال یک نفر قهوه مقتول را آلوده به سم کرده و دیگری چای او را و شخص در اثر تأثیر هر دو سم فوت کند. یا چند نفر با یکدیگر اتومبیل را واژگون کنند و سبب خسارت شوند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۱). بنابراین هرگاه چند نفر در ارتکاب عمل زیان بار با یکدیگر همکاری کنند و نتیجه هم مستند به عمل همه آنها باشد، اجتماع اسباب به نحو عرضی خواهد بود. مثل اینکه دو یا چند نفر چاهی بکنند و کسی در آن بیفتد و تلف شود.

#### ۴-۲-۱- شیوه تعیین سبب مسئول در اجتماع عرضی اسباب

از آنجا که در اجتماع عرضی اسباب، نتیجه زیان بار مستند به تمام اسباب است، در مسئول بودن تمامی اسباب بحثی نیست، بلکه در رابطه با چگونگی و میزان مسئولیت این افراد یعنی اصطلاحاً نحوه و معیار تقسیم مسئولیت، نظرات مختلفی ارائه شده است که به شرح ذیل می‌باشد:

#### الف) نظریه تساوی مسئولیت

بسیاری از فقها در مواردی که چند نفر سبب واحد را ایجاد کرده‌اند (اسباب عرضی) حکم به تساوی مسئولیت داده‌اند، هرچند درجه تأثیر هر یک از آنها متفاوت باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۵۶۹ / ۲؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۱۸: ۱۰۶؛ شیخ طوسی، بی تا: ۷۶۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴ / ۱۰۲۵؛ خویی، ۱۳۹۶: ۲ / ۲۵۵).

علت آن را نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که در اشتراک، حکم به تساوی مطابق با قاعده است، زیرا جنایت مستند به همه شرکا می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۱۴۸).

### ب) نظریه نسبت تأثیر (میزان تأثیر هر عامل)

بهموجب این نظریه مسئولیت هریک از اسباب به نسبت تأثیر هریک از آن‌ها در زیان تقسیم می‌شود. مطابق این نظریه، اگر زیان به‌وسیله چند نفر وارد شود که تمامی آنان در پیدایش آن به‌نحو مساوی تأثیر داشته باشند، به تساوی نیز مسئول خسارت وارده هستند، ولی اگر تأثیر رفتار عاملان زیان نسبت به هم‌دیگر متفاوت باشد، در این صورت باید هریک را به نسبت تأثیرش در زیان، مسئول جبران خسارت دانست.

یکی از صاحب‌نظران در دفاع از این نظریه می‌گوید: قاعده عقلی نبوی (لاضرر و لاضرار فی الاسلام) حاکی از آن است که هرکس به دیگری ضرری وارد آورد، باید آن را جبران کند، بنابراین در صورتی که ضرر به‌وسیله یک نفر وارد آید، خسارت را باید او جبران کند و در صورتی که ضرر به‌وسیله چند نفر وارد آید، هرگاه تمامی آنان در پیدایش آن تأثیر مساوی داشته باشند، به تساوی مسئول خسارت وارده هستند. چنانچه ۵ نفر مردان قوی، سنگی را از دامنه کوه غلتانیده و سنگ حرکت کرده و در راه بر اتومبیلی افتاده و آن را شکسته است، هریک از آنان مسئول یک‌پنجم خسارت وارده هستند، ولی هرگاه قدرت تأثیر آنان در پیدایش ضرر متفاوت باشد، نمی‌توان تمامی آنان را به تساوی مسئول خسارت دانست، زیرا تأثیر آنان در ایجاد فعلی که موجب خسارت شده متفاوت بوده و مسئولیت به تساوی ایجاب می‌کند که یکی بیش از آنچه خسارت وارد آورده متحمل شود و دیگر کمتر از آنچه وارد آورده است، ناچار باید هریک را به مقدار قوه تأثیرش مسئول خسارت دانست. اشکالی که پیش می‌آید در تشخیص مقدار تأثیر هریک از افراد است. تشخیص آن را باید آزادانه به‌عهده دادگاه گذارد و در صورتی که دادگاه لازم بداند از کارشناس کمک بخواهد. در قانون مدنی راجع به موردی که خسارت ناشی از عمل چند نفر باشد، ماده‌ای موجود نیست (امامی، ۱۳۸۶: ۱/۳۹۴).

با این حال با توجه به اینکه رابطه سببیت یک مفهوم مادی نیست که با ابزار و تحلیل‌های مادی بتوان آن را مشخص کرد، تعیین آن از مشکلات مسئولیت مدنی است و تعیین میزان تأثیر هریک از عاملان زیان، موضوعی به مراتب دشوارتر است. راه‌حلی‌هایی که ارائه شده‌اند نیز ظنی هستند و با هیچ معیاری نمی‌توان به‌طور قاطع ثابت کرد که مثلاً شخص الف ۷۵ درصد در وقوع زیان مؤثر بوده و شخص ب ۲۵ درصد. بلکه در عمل، عوامل دیگری همچون عدالت و انصاف و دیگر انگیزه‌های اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی مبنای تقسیم مسئولیت قرار گرفته و در تعیین میزان مسئولیت مؤثرند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۷۳). بنابراین با توجه به اینکه در عمل تشخیص و تعیین میزان تأثیر هریک از سبب‌ها به‌نحو دقیق مقدور نیست و تجویز مسئولیت به نسبت تأثیر منجر به حاکم شدن سلیقه کارشناسان در این مورد می‌شود، اعمال قاعده تساوی در این مورد منطقی به‌نظر می‌رسد.

بنابراین اگر قانون‌گذار نظریه تقسیم مسئولیت بر مبنای تأثیر رفتار مرتکبان ورود زیان را پذیرفته باشد، اما در برخی مواد حکم به تقسیم مساوی مسئولیت داده باشد، باید گفت این موارد نوعی اماره است، به عبارت دیگر این حکم در جایی است که نتوان میزان تأثیر هریک از اسباب را تعیین کرد. در نتیجه حکم به تساوی مسئولیت داده می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ ق.م.ا جدید این نظریه مورد پذیرش قرار گرفته است.

### پ) نظریه تقصیر

در این نظریه میزان مسئولیت هریک از اسباب به‌میزان تقصیر آنان است، بنابراین هریک از اسباب که تقصیر بیشتری داشته باشد، میزان مسئولیت وی نیز بیشتر خواهد بود و باید خسارت بیشتری بپردازد و بالعکس هرچقدر میزان تقصیر کمتر باشد، میزان مسئولیت نیز کمتر خواهد بود.

معنای تقصیر را در قانون مدنی باید از تعریف دو اصطلاح تفریط و تعدی بدست آورد. قانون مدنی در ماده ۹۵۳ تقصیر را اعم از تفریط و تعدی معرفی کرده و در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ به تعریف آن‌ها پرداخته است. اما

امروزه با پیشرفت فناوری، نحوه ورود خسارت متنوع شده است. بنابراین با توجه به پیچیدگی و گستردگی مسائل مسئولیت مدنی، مفهوم تقصیر نیز توسعه یافته و به همین میزان تعریف تقصیر دشوارتر و پیچیده‌تر شده است. تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا. تقصیر را این‌گونه تعریف می‌کند: «تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».

در برخی از قوانین کشورمان تقسیم مسئولیت براساس درجه تقصیر پذیرفته شده که از جمله می‌توان به بند (الف) ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳، ماده ۳۳۵ قانون مدنی و ماده ۶ آئین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ اشاره کرد.

درخصوص شیوه و چگونگی ارزیابی درجه تقصیر نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. در برهه‌ای از زمان که نظریه شخصی تقصیر حاکم بود، درجه تقصیر بر مبنای میزانی که شخص قابل سرزنش بود، تعیین می‌شد؛ یعنی هرچه شخص بیشتر قابل سرزنش بود، درجه تقصیر او شدیدتر می‌شد. اما با پذیرش مفهوم نوعی تقصیر، به هر میزانی که شخص از رفتار یک فرد متعارف تخطی می‌کرد، مقصرتر و تقصیر او شدیدتر بود؛ هرچند به لحاظ شخصی قابل سرزنش نبود. معیار اخیر طرفداران بیشتری دارد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۷۴). در رویه محاکم کشورمان، قضات به منظور تعیین مقصر، موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهند تا کارشناس ضمن تعیین مقصر، میزان تقصیر هر یک از آن‌ها را نیز تعیین کند و بر همان میزان نیز مسئول شناخته خواهند شد.

با وجود اینکه یکی از متداول‌ترین و پرطرفدارترین روش‌ها برای تقسیم مسئولیت، تقسیم بر مبنای درجه تقصیر است، انتقاداتی نیز بر این روش وارد است. یکی از این انتقادات این است که این راه حل جامع نیست و تمام صورت‌های مسئولیت مدنی را دربر نمی‌گیرد. زیرا در حال حاضر که مسئولیت‌های بدون

تقصیر بسیار گسترش یافته است، چگونه می‌توان از این معیار برای تعیین سهم مسئولیت هریک از عاملان زیان استفاده کرد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۷۵).

### ت) نظریه تضامن

یکی دیگر از نظریات مطرح شده درباره تقسیم مسئولیت اسباب متعدد، تضامنی بودن مسئولیت اسباب متعدد است. زیرا این اسباب متعدد با هم خسارت‌ها را ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان چنین مسئولیتی را تجزیه کرد. در مورد مبنای تضامن گفته شده است، چون مسئولیت قهری مرتکبان مبتنی بر خطا و تقصیر است، وقتی چند نفر، هریک سبب تحقق زیان می‌شوند، پس باید هریک مسئول کل خسارت باشند. حقوقدانان طرفدار این نظریه به مصادیقی در حقوق ایران اشاره کرده‌اند که در آن‌ها مسئولیت، تضامنی است و از مجموع این مواد چنین استنتاج کرده‌اند که در مسئولیت قهری اصل بر تضامنی بودن مسئولیت است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۶). در این خصوص می‌توان به ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و بند (ج) ماده ۱۶۵ قانون دریایی اشاره کرد.

شایان ذکر است علاوه بر معیارهای مذکور، معیارهای دیگری همچون تقسیم مسئولیت براساس عدالت و انصاف، تقسیم مسئولیت به صلاحدید دادرس را نیز می‌توان اضافه کرد که در نظام‌های حقوقی دیگر رایج هستند.

بنابراین در حالت اجتماع اسباب به‌نحو عرضی تشخیص سبب مسئول مشکل نیست، زیرا حادثه قابل‌انتساب به همه آن‌ها است و رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و نتیجه برقرار است. به‌همین دلیل اجتماع اسباب به‌نحو عرضی اشتراک در جنایت می‌باشد و همه کسانی که در وقوع جنایت نقش داشته‌اند، ضامن هستند و تنها بحث در میزان مسئولیت آن‌ها است. قانون‌گذار در ماده ۵۳۳ ق.م.ا. نظر به حالت اجتماع عرضی اسباب دارد و مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به‌نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری شوند، به‌طوری‌که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا



**همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن هستند.** از این رو در اسباب عرضی چنانچه ارتکاب جرم عمدی باشد، همگی شریک جرم محسوب شده و به عنوان فاعل مستقل قابل مجازات هستند و در صورتی که نوبت به دیه برسد، به صورت تساوی، مسئول و عهده دار پرداخت دیه خواهند بود.

#### ۴-۲-۲- سببها در طول یکدیگر باشند (اجتماع اسباب به نحو طولی)

هرگاه دخالت عوامل متعدد در وقوع نتیجه با تقدم و تأخر زمانی همراه باشد، به نحوی که یکی علت وجود دیگری باشد،<sup>۱</sup> اجتماع به نحو طولی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۲). یعنی هرگاه در یک حادثه دو یا چند سبب یکی بعد از دیگری تأثیرگذار باشد و موجب حادثه شوند، در این صورت اجتماع اسباب به نحو طولی تحقق می‌یابد.

#### ۴-۲-۲-۱- سبب مسئول در اجتماع طولی اسباب

مشهورترین نظریه درباره تعیین سبب مسئول در اسباب طولی، سبب مقدم در تأثیر است. منظور از سبب مقدم در تأثیر، سببی است که تأثیرش در جنایت زودتر از اسباب دیگر باشد. خواه از نظر زمانی پیش‌تر یا هم‌زمان یا مؤخر از سبب دیگر باشد. علت این امر نیز ترجیح و برتری داشتن سبب مقدم است (محقق‌حلی، ۱۴۰۹: ۴/۱۰۲۸).

نظر دیگر ضامن بودن هر دو سبب است. یکی از فقها بعد از نقل نظر مشهور می‌گوید: «... در این نظر اشکال وجود دارد و به نظر می‌رسد ضامن برعهده هر دو آنهاست. زیرا مشهور دلیلی ندارد، جز اینکه گفته شده اثر سبب اول استصحاب می‌شود و به همین دلیل بر اثر

---

۱. البته به نظر می‌رسد قید اخیر درست نباشد، زیرا در مثال معروف فقهی مربوط به حفر چاه و گذاشتن سنگ، هیچ‌کدام علت دیگری نیست و بهتر است گفته شود: هرگاه در یک حادثه دو یا چند سبب، یکی بعد از دیگری تأثیر بگذارند و موجب ورود خسارت شوند، در این صورت اجتماع اسباب به نحو طولی تحقق می‌یابد.

سبب دوم ترجیح داده می‌شود. اما در جواب باید گفت در اینجا اصلاً مجالی برای استصحاب نیست، زیرا که تلف از ناحیه هر دو به وجود آمده و به هر دو هم مستند است و سبقت و تقدم اولی موجب ترجیح و برتری نیست» (خویی، ۱۳۹۶: ۲/ ۲۶۰). بنابراین طبق این نظر از آنجا که هر دو سبب تعدی کرده‌اند و جنایت مستند به هر دوی آن‌هاست و وجه ترجیحی نیز وجود ندارد، هر دو به تساوی ضامن خواهند بود.

برخی فقها نیز قائل به هر دو نظر مذکور هستند، بدین‌نحو که اگر در اجتماع اسباب، اسباب در زمان واحدی اتفاق افتاده باشند اشتراک در ضمان است، به علت عدم ترجیح و اگر اسباب به ترتیب و در تعاقب یکدیگر ایجاد شده باشند، سبب مقدم در تأثیر ضامن است، به دلیل اشتغالش به ضمان (علامه حلی، بی‌تا: ۲/ ۳۷۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۶: ۱۲/ ۱۶۴).

نظر دیگر ضامن دانستن سبب قوی‌تر است مانند اینکه کسی در چاهی کاردی نصب کند و دیگری بر آن کارد بیفتد، چون کارد قاطع و برنده است ضمان به نصب‌کننده کارد اختصاص داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۷/ ۵۶). نظر آخر، ضمان سبب مؤخر است، این نظر عکس نظر اول است. به موجب این نظریه سبب متأخر در وجود ضامن است. برای مثال اگر شخصی سنگی را در معبر عمومی قرار دهد و پس از آن، شخص دیگری چاهی در کنار آن حفر کند و شخص ثالثی پایش به سنگ گیر کند و به درون چاه سقوط کند، حفرکننده چاه ضامن است. استدلال این نظریه این است که سنگ بدون وجود چاه هیچ نقشی در سقوط ندارد و وجود چاه، سنگ را خطرناک کرده است (رشتی، بی‌تا: ۴۱).

نظریه سبب مقدم در تأثیر، نظریه مشهور فقها است و فقها برای اثبات و تأیید دیدگاه خود، به اموری استناد کرده‌اند:

گروهی از فقها سبب مقدم در تأثیر را به خاطر قاعده استصحاب مقدم کرده‌اند و گفته‌اند آنچه که جنایت به سبب آن بر دیگری مقدم شده است، اقتضای ضمان دارد، در نتیجه حکم اثر سبب اول استصحاب شده و بر سبب دوم که نسبت به سبب اول، مانند شرط مباشرت است رجحان داده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴:

۱۴۶/۴۳). به بیان دیگر سبب اول مباشر است و سبب دوم شرط تأثیر در اجتماع سبب و مباشر است.<sup>۱</sup> یا یکی دیگر از فقها می‌گوید: «عرف در این گونه موارد، تلف را به سبب مقدم در تأثیر مستند می‌کند» (رشتی، بی تا: ۴۰).

ماده ۵۳۵ ق.م.ا.<sup>۲</sup> براساس قول مشهور فقها، در صورت اجتماع طولی اسباب، نظریه سبب مقدم در تأثیر را پذیرفته و مورد تصریح قرار گرفته است. طبق ماده ۵۳۶ نیز اگر عمل یکی از اسباب عدوانی و دیگری غیرعدوانی باشد، فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.

بنابراین طبق مواد مذکور در اجتماع طولی اسباب سه فرض قابل تفکیک است: الف: همه اسباب قصد ارتکاب جنایت داشته باشند، در این صورت شرکت در جرم است؛ ب: عمل همه اسباب عدوانی باشد، در این صورت سبب مقدم در تأثیر مسئول است؛ ج: عمل یکی از اسباب غیرمجاز و دیگری مجاز باشد، در این صورت کسی که عملش غیرمجاز است، ضامن خواهد بود.

#### ۴-۳- اجتماع مباشرین (ضمان تصادم کنندگان)

هرگاه دو یا چند عامل در تلف مؤثر باشند، هر دو مسئول و ضامن هستند مانند آنکه دو نفر با هم اتومبیلی را آتش بزنند. یکی از مصادیقی که می‌توان در ذیل اجتماع مباشرین مطرح کرد، تصادم دو نفر یا دو وسیله نقلیه موضوع مواد ۵۲۷ و ۵۲۸ ق.م.ا. است.<sup>۳</sup> در تصادم، حادثه توسط حداقل دو نفر ایجاد می‌شود،

۱. برخی حقوقدانان به فقها اشکال کرده‌اند که قیاس سبب مقدم در تأثیر با مباشر تلف درست نیست. زیرا فرض این است که این سبب نیز تنها زمینه ورود ضرر را فراهم می‌آورد و رابطه مستقیم با اضرار ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۷۱).

۲. شایان ذکر است فرض شرکت براساس این ماده، با قواعد شرکت در جرم سازگاری ندارد. زیرا، شرکت در جرم صرفاً با عنصر مادی تحقق پیدا می‌کند، بدون آنکه عنصر روانی عمد و قصد شرکاء در تحقق آن مدخلیت داشته باشد. افزون بر آن، با این رویکرد، تفاوت و تمایز دو نهاد کیفری شرکت و معاون از میان برداشته شده است (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۷۲).

۳. در م. ۳۳۵ قانون مدنی نیز حکم تصادم دو کشتی یا قطار و ... پیش‌بینی شده، اما قانون مجازات اسلامی ماده ۳۳۵ ق.م.ا. را در خصوص تصادم تکمیل کرده است. زیرا قانون‌گذار در قانون مدنی از موردی نام برده که هر دو وسیله نقلیه یا یک کدام، مقصر باشند،

به طوری که این حادثه قابل انتساب به هر دو طرف است و لازمه آن تقصیر یا عدم تقصیر هر دو طرف می باشد. بنابراین هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد و برخورد مستند به وی باشد، فقط او ضامن است.

محقق حلی در شرایع در این رابطه می گوید: «**ضمان تصادم کنندگان: هرگاه دو نفر تصادم کنند و بمیرند، برای هریک از ورثه آن ها نصف دیه اوست و نصف دیگر دیه که سهم خود اوست، ساقط می شود. به جهت آنکه هریک از آن ها به جهت فعل خود و فعل دیگری تلف شده است. در این حکم دو سواره و دو پیاده و یک سواره و یک پیاده یکسان اند و بر هریک از آن ها است نصف بهای اسب دیگری، اگر در اثر تصادم از بین رفته باشد. در دیه نیز تقاض (تساقط) واقع می شود و اگر قصد قتل وجود داشته باشد، این عمل قتل عمد است» (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴/ ۱۰۲۱).**

در خصوص تصادم دو حالت وجود دارد که باید به شرح ذیل قائل به تفکیک شد:

### الف) تصادم دو نفر

مطابق فقه در تصادم دو نفر با یکدیگر در صورت انتساب برخورد به هر دو نفر، هر کدام ضامن نصف دیه خواهد بود و میزان تأثیر آن ها در برخورد در میزان مسئولیت مدخلیتی ندارد، مگر اینکه حرکت یکی از طرفین آن قدر ضعیف باشد که حادثه به دیگری مستند باشد، نه او (ماده ۵۳۱ ق.م.ا). این امر در حالی است که طبق ماده ۵۲۷ ق.م.ا، میزان تأثیر در برخورد، در میزان پرداخت دیه مؤثر است و اگر میزان تأثیر مساوی باشد، نصف دیه طرف مقابل در موارد شبه عمد توسط خود فرد و در خطای محض توسط عاقله وی پرداخت خواهد شد. مفهوم مخالف این حکم، این است که در صورت عدم تساوی تأثیر، میزان خسارت پرداختی نیز متساوی نخواهد بود. همان طور که مشاهده می شود، این امر برخلاف نظر مشهور

ولی قانون مجازات اسلامی موردی که دو وسیله نقلیه با یکدیگر برخورد و تصادم کنند، ولی در عین حال هیچ کدام مقصر نباشند را نیز دربر می گیرد. ضمن اینکه ق.م.ا میزان مسئولیت را نیز مشخص کرده است.

فقهی است. شایان ذکر است در ق.ا.م. ۱۳۷۰ نیز برخلاف ق.ا.م. ۱۳۹۲ و مطابق نظر مشهور مسئولیت به تساوی بوده است.<sup>۱</sup>

## ب) تصادم دو وسیله نقلیه

هرگاه دو وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و سبب هلاکت جانی و خسارت مالی شوند، اگر این برخورد عمدی باشد یا نوعاً موجب چنین نتایجی شود، بر فعل آن‌ها قصاص مترتب می‌شود و هر کدام باید نصف خسارت اموالی را که تلف کرده، پرداخت کند. ولیکن اگر برخورد عمدی نباشد، برای مثال رانندگان تقصیر کرده باشند، هر کدام ضامن نصف دیه اشخاصی که تلف شده‌اند و نصف خسارت وارده به مال دیگری هستند. این حکم در جایی است که عمل شبه‌عمد باشد، اگر عمل خطای محض باشد، پرداخت دیه برعهده عاقله است. اگر این برخورد در نتیجه تقصیر یکی از طرفین و مستند به وی باشد، فقط او ضامن است.

در ضمن اگر برخورد بر اثر عوامل قهری باشد، برای مثال جاده لغزنده باشد و راننده آگاهی از این موضوع نداشته باشد و منجر به تصادف شود، ضامن متفی است. زیرا برخورد غیرارادی بوده و مستند به رانندگان نیست (ماده ۵۳۰ ق.ا.م.).

بنابراین در حقوق اسلامی ظاهراً از نظریه تساوی مسئولیت پیروی شده است. ق.ا.م. ۱۳۷۰ نیز در مواد مختلف (۳۳۸-۳۳۴ به‌ویژه ۳۶۵) این نظریه را پذیرفته بود. حتی در ماده ۳۳۶، تصریح کرده بود که خواه میزان تقصیر مساوی یا متفاوت باشد، باز هم مسئولیت به تساوی خواهد بود. دیوان عالی کشور هم در مقام ایجاد وحدت رویه قضایی به‌موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخه ۱۳۹۰/۲/۶ هیئت عمومی

۱. سابقاً از ماده ۳۲۶ ق.ا.م. ۱۳۷۰ استنباط می‌شد که اگر تقصیر طرفینی باشد، همان حکمی را دارد که هیچ‌کدام مقصر در تصادف نباشند. به عبارت دیگر، تقصیر یا عدم تقصیر اگر طرفینی باشد، یک حکم بیشتر ندارد و آن اینکه هر کدام ضامن نصف خسارت می‌شود و میزان تقصیر مهم نیست. بنابراین اگر یکی از طرفین ۹۹ درصد مقصر باشد و دیگری یک درصد باز هم خسارت نصف می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

دیوان عالی کشور که مقرر می‌دارد: «برحسب مستفاد از م ۳۳۷ ق.م.ا. هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشینان یا سرنشینان آنها شود، مسئولیت هریک از رانندگان در صورت تقصیر - به هر میزان که باشد - به نحو تساوی خواهد بود...»، استناد عرفی خسارت را کافی دانسته و میزان تأثیر تقصیر طرفین را در وقوع خسارت نادیده می‌گیرد.<sup>۱</sup>

نظر به اینکه آرای محاکم بعضاً متأثر از آرای دیوان عالی و نظرات مشورتی اداره حقوقی است، به ذکر نمونه‌هایی در این خصوص می‌پردازیم که مفاد همین رأی وحدت رویه در آنها تکرار شده است: ۱- رأی اصراری ۱۳۶۸/۱۱/۱۷-۱۴۶ ردیف ۱۳۹/۶۷؛ ۲- رأی اصراری ۱۳۷۲/۴/۲۲-۲۸ ردیف ۷۰/۲۱، در هر دو رأی اصراری مذکور، مانند رأی وحدت رویه بدون توجه به میزان تقصیر طرفین، حکم به تنصیف دیه صادر شده است. یا نظریه‌های شماره ۱۳۸۱/۶/۶-۷/۳۷۰۳؛ ۱۳۸۱/۶/۶-۷/۳۷۰۳؛ ۱۳۸۳/۹/۳۰-۷/۳۳۷۶؛ ۱۳۸۳/۴/۴-۷/۳۳۷۶؛ ۱۳۸۳/۴/۱۴-۷/۹۷۸۰؛ ۳۸۴؛ ۱۳۸۳/۴/۱۷-۷/۱۵۲۰؛ ۱۳۸۳/۴/۱۷-۷/۱۵۲۰؛ ۱۳۸۶/۱۲/۸-۷/۸۲۲۵؛ ۱۳۸۶/۱۲/۸-۷/۸۲۲۵؛ ۱۳۷۸/۹/۱۳-۷/۶۴۷۶؛ ۱۳۷۸/۹/۱۳-۷/۶۴۷۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، که همگی حاکی از این است که میزان تقصیر مؤثر در مقام رسیدگی نیست و مسئولیت جبران خسارت حسب مورد ممکن است، به تنصیف یا تساوی باشد.<sup>۲</sup>

طبق ماده ۵۲۸ ق.م.ا: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو

۱. لازم به توضیح است که رویه قضایی در مورد مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی اختلافی بود. بدین نحو که گروهی از قضات اعمال ماده ۳۳۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰ را فقط در مورد خسارت‌های مالی و گروهی دیگر اعمال ماده مزبور را در مورد هم خسارت‌های مالی و هم در مورد دیه، می‌پذیرفتند. یعنی هر دو عقیده به تقسیم به تساوی در صورت تقصیر دو راننده دارند، اما یکی اعمال ماده ۳۳۶ را فقط در مورد خسارت‌های غیرجانی و دیگری حاکمیت آن را در هر دو مورد می‌پذیرفت. در نهایت رأی وحدت رویه مذکور تساوی در هر دو نوع خسارت را پذیرفت.

۲. برای مثال در نظریه ۱۳۷۸/۹/۱۳-۷/۶۴۷۶ آمده است: «هرچند نظر کارشناس ذی‌ربط مبنی بر تقصیر راننده تریلر به میزان ۲۰٪ و میزان تقصیر راکب موتورسیکلت که به قتل رسیده ۸۰٪ است، لیکن با توجه به مقررات باب ششم قانون مجازات اسلامی [۱۳۷۰] راننده تریلر مسئول پرداخت نصف دیه کامله است، نه ۲۰٪ از دیه کامله».

راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هریک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد، به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است». البته در لایحه ق.م.ا، ماده ۵۲۸ فعلی به گونه‌ای دیگر تدوین شده بود و حکم ماده ۵۲۸ فعلی را به «مساوی یا نامعلوم بودن تأثیر برخورد» مقید کرده بود که با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. در مرحله بعد ماده ۵۳۲ لایحه به صورت کنونی، اما با تبصره‌ای بدین شرح تدوین شد: «چنانچه میزان تأثیر طرفین برخورد متفاوت باشد، با تشخیص کارشناس، هریک به میزان تأثیر ضامن خواهد بود». اما دوباره این تبصره طبق ایراد شورای نگهبان خلاف موازین شرع شناخته شد و در نهایت اشکال شورا منجر به حذف تبصره مذکور و تصویب ماده ۵۲۸ به شکل کنونی شد.

بدین ترتیب در لایحه ق.م.ا اصل تساوی مسئولیت فقط ناظر به جایی بود که طرفین به یک اندازه یا به اندازه نامعلوم، در وقوع زیان نقش داشته باشند، در غیر این صورت، هریک از طرفین براساس میزان تأثیر، مسئولیت دارند. یعنی همان کاری که تا پیش از تصویب ق.م.ا ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ در برخی دادگاه‌ها صورت می‌گرفت و میزان تأثیر با ارجاع به کارشناس تعیین می‌شد. با این همه ق.م.ا براساس نظر شورای نگهبان مانند رأی وحدت رویه اصل تساوی مسئولیت را ملاک قرار داده که این نگرش مبتنی بر نظر مشهور فقهی است. این درحالی است که طبق ماده ۵۲۷ ق.م.ا، میزان تأثیر در برخورد، در میزان پرداخت دیه مؤثر است و معلوم نیست به چه دلیل قانون‌گذار برای دو ماده با مبنای مشترک و حکم مشترک در فقه دو حکم متفاوت مقرر کرده است. شاید بتوان گفت در این ماده نیز مانند ماده قبل، اصل تساوی مسئولیت ناظر به جایی است که طرفین به یک اندازه در وقوع خسارت نقش داشته باشند و یا میزان تأثیر نامعلوم باشد، یعنی نتوان تأثیر هریک را تعیین کرد، در غیر این صورت

براساس میزان تأثیر تقصیر طرفین یا اطراف دعوا در وقوع خسارت حکم صادر می‌شود. به عبارت دیگر، در هر جا که میزان دخالت هریک از مسئولان متعدد در تحقق خسارت معلوم نباشد، چاره‌ای جز توزیع مسئولیت به نسبت مساوی نیست. یعنی در این موارد تساوی مسئولیت اماره‌ای است که خلاف آن قابل اثبات است. اما این نظر با توجه به سابقه فقهی و نظر صریح شورای نگهبان در رابطه با لایحه ق.م.ا. بعید به نظر می‌رسد.

## نتیجه‌گیری

۱. برای تحقق مسئولیت مدنی و الزام به جبران خسارت باید تمامی ارکان مسئولیت مدنی از جمله رابطه سببیت جمع باشد. در مواردی که عاملان زیان متعدد هستند، احراز رابطه سببیت یعنی تعیین عامل یا عاملان مسئول و میزان مسئولیت هریک مشکل است و همین امر منجر به ارائه نظرات متفاوتی شده است. با این حال تشتت آراء در فقه کمتر است و در صورت مختلف تراحم موجبات ضمان فتاوی مشهور و در برخی موارد اجماع وجود دارد. اما در قوانین کشومان، برخلاف فقه در رابطه با تراحم موجبات ضمان از میانی متفاوتی پیروی شده است.
۲. تحلیل مواد ق.م.ا. ۱۳۹۲ مؤید آن است که آنچه در تحقق ضمان نقش محوری دارد، رابطه انتساب است، اعم از اینکه به نحو مباشرت باشد یا تسبیب یا به اجتماع آنها، یعنی مهم رابطه انتساب عرفی است.
۳. ق.م.ا. برخلاف فقه و قوانین سابق در مورد اجتماع سبب و مباشر تحول مثبتی را تجربه کرده است و در اجتماع سبب و مباشر، عاملی را که زیان مستند به اوست، ضامن می‌داند، نه صرف مباشرت. حتی در اقدامی بدیع در صورت انتساب زیان به هر دو، تقسیم مسئولیت براساس میزان تأثیر را مقرر کرده است.



۴. مقنن در اجتماع عرضی که چند سبب مشترکاً زمینه‌ساز تحقق زیان می‌شوند و نتیجه

قابل انتساب به همه آن‌ها می‌باشد، مطابق فقه از نظریه تساوی مسئولیت پیروی کرده است.

۵. در اجتماع طولی اسباب که با تقدم و تأخر زمانی عوامل متعدد در وقوع زیان مواجه هستیم،

برخلاف اجتماع عرضی که موضوع مهم، چگونگی تقسیم مسئولیت میان عاملان متعدد است،

تشخیص مسؤل زیان، بحث اصلی و چالشی است. قانون مجازات اسلامی به تبع فقه در

اجتماع طولی اسباب از نظریه سبب مقدم در تأثیر پیروی کرده است.

۶. در فقه، در رابطه با ضمان تصادم‌کنندگان (تصادم دو نفر یا دو وسیله نقلیه)، نظر تساوی

مسئولیت مورد اقبال است، اما در قانون مجازات اسلامی بدون دلیل و جهت خاصی مبانی

متفاوتی برای تقسیم مسئولیت برای هریک مقرر شده است. در تصادم دو نفر، تقسیم مسئولیت

براساس میزان تأثیر پذیرفته شده است، لیکن در تصادم دو وسیله نقلیه، نظریه تساوی

مسئولیت مقرر شده است.

با این حال باید گفت همان‌طور که قانون‌گذار در برخی صور تراحم موجبات ضمان، تقسیم مسئولیت

براساس میزان تأثیر را مقرر کرده است، در سایر موارد نیز باید قائل به همان شد. در واقع در مواردی که

قانون‌گذار حکم به تساوی مسئولیت داده، مواردی است که فرض بر تأثیر یکسان عاملان متعدد در وقوع

زیان است یا مواردی است که امکان تعیین میزان تأثیر هریک به‌نحو جداگانه وجود ندارد. تقسیم

مسئولیت به‌میزان تأثیر نه‌تنها غیرشرعی نیست، بلکه همان‌طور که شرح آن گذشت در فقه نیز مورد

توجه برخی فقها قرار گرفته و در تقسیم مسئولیت نیز قائل به آن بوده‌اند. ضمن اینکه براساس اصول

اولیه اسلامی یعنی اصل شخصی‌بودن مسئولیت (و لا ترز وازره و زر اخی)، هیچ‌کس نباید بار مسئولیت و

تقصیر دیگری را بر دوش کشد. اگرچه تقسیم به تساوی مسئولیت کم‌اشکال‌ترین راه‌حل به‌نظر می‌رسد،

ولی امروزه با توجه به اینکه امکان ارجاع به کارشناس و تعیین میزان نسبی میزان تأثیر و در نهایت

میزان مسئولیت هریک از عاملان متعدد وجود دارد، باید قائل به تقسیم براساس میزان تأثیر بود.

## منابع

## الف) منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، تهران: میزان.
- امامی، سیدحسن (۱۳۸۶). *حقوق مدنی*. جلد اول، تهران: انتشارات اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ بیست و دوم، تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. چاپ سی و نهم، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *الزام های خارج از قرارداد(ضمان قهری): مسئولیت مدنی*. چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱). *محتسای قانون مجازات اسلامی*. چاپ شانزدهم، تهران: مجد.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۰۱). *قواعد فقهیه*. جلد اول و دوم. تهران: موسسه عروج.
- محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*. جلد اول، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

## ب) منابع عربی

- حسینی المراغی، سیدمیرعبدالفتاح (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیه*. جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- رشتی، حبیب اله بن محمد علی (بی تا). *کتاب الغصب*. تهران: احمد الشیرازی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۲). *ریاض المسائل*. جلد چهاردهم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (بی تا). *التواعد و الفوائد*. جلد اول، قم: منشورات مکتبه المفید.

- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. جلد دهم، قم: انتشارات داورى.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۶). *مسالك الافهام*. جلد دوازدهم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- علامه حلی، جمال الدین حسن بن یوسف (بی تا). *تذکره الفقها*. جلد دوم، تهران: منشورات المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۷۶). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الديات*. قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، تهران: انتشارات استقلال.
- موسوی خمینی، سیدروح اله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، نجف اشرف: چاپخانه الآداب.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد دوم، قم: المطبعة العلمیه.
- نجفی جواهری، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام*. جلد سی و هفتم و چهل و سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی خوانساری، موسی بن محمد (۱۴۱۸). *منیة الطالب فی شرح مکاسب*. تقریرات میرزا محمد حسین نائینی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

### ج) مقالات

- کاظمی، محمود (۱۳۹۳). «معیار تقسیم مسئولیت میان عاملان زیان در نظام کامن لا و حقوق کشورهای رومی - ژرمنی». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، (۱) ۴۴:

- هاشمی، سید احمد علی (۱۳۹۲). «اسباب متعدد در مسئولیت مدنی». دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۲(۲): ۱-۱۵.

# Journal Of Legal Thought

- Position of Precedent Rule on England law and its feasibility in Islamic and Iranian law

**Sayyed Hossein Asadi**

- A Review of the Prohibition of Violence against Women in the UN World Conferences regarding Women Issues: The Narration of Fears and Hopes

**Mousa Karami, Ali Mashhadi, Ehsan Shakibnezhad**

- The rules of the division of responsibilities between perpetrators of loss in Islamic law & the legal system of Iran

**Khosro Hoseinpour**

- Export control regimes for Dual Use items: an effective tool to advance the US sanctions program

**Gholamnabi fayzi ckakab, Mohammad Chalabi**

- The effect of disbelief and murder in a will for the testator and the possibility of relying on analogy in deriving its sentence

**Zahra Sadat Mirhashemi, Farinaz Sadat Khatibi Qomi**

- Investigating the interaction of Islamic law and sources with the Iranian criminal law system in the light of the rule of law

**Seyyed Sajjad Razaghi Mousavi**



Volume 2, Issue 7  
Winter.2022



Journal Of Legal  
Thought